

به نام خداوند جان و خرد

حاصل قفل دولت بر زبان و دست و پای ملت، رواج فساد و فقر و سقوط اقتصاد ملی

حربه دیگر دولت فعلی در پیدا کردن آزادی عمل برای اهداف فوق از بین بردن ضوابط حقوقی و قانونی و سازمانهای مدیریتی و اقتصادی حاکم و ناظر بر اداره امور کشور و یا اخلال در طرز کار عادی آنها بوده است که انحلال سازمانی مدیریت و برنامه ریزی تعطیلی شورای پول و اعتبار، تعویض شورای بورس، تسلط بر فرهنگستان، تعویض هیئت نظارت بر مطبوعات و ... از آن جمله اند که علاوه بر اینها بی اعتنائی به قوانین و مقررات طرز تهیه بودجه سالانه کل کشور، مهلت تهیه و ارائه بودجه و برنامه پنجساله، الزام های قانونی در پاسخگویی به گزارش های سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و گزارش های کمیسیون اصل نود مجلس و نیز به پرسش های مراجع بین المللی درباره دهها موضوع که ایران با پیوستن به مقاله نامه ها و عهد نامه های بین المللی ملزم به رعایت آنها بوده است، خود نشانه خودسری و خود محوری عده ای است که ملت و مملکت و کلیه ثروت های مادی و معنوی آن را ملک خود تصور می کنند و خود را در مقابل هیچ کس پاسخ گو نمی بینند حاصل این بی بند و باری های داخلی در آمار و ارقام منتشر شده در مقیاس جهانی انعکاس یافته است که مایه

شخصیت های سیاسی دگراندیش، اقلیت های مذهبی و قومی، روزنامه نگاران، صاحبان و مدیران مطبوعات، استادان و دانشجویان، برای خود آزادی عمل در تسلط بر انتصابات و به دست گرفتن ارکان قدرت (وزارتخانه ها، مجلس، ادارات کل، ادارات شهرستانها تا پائین ترین سطوح) پیدا کنند و با این آزادی عمل در اعمال قدرت ظاهری علاوه بر غارت اموال عمومی و ثروتهای ملی مخصوصا درآمد صدها میلیارد دلاری نفت، خط سیر فعالیت اقتصادی عادی و روزانه مردم را نیز در جهت منافع دراز مدت خود تغییر دهند (ایجاد انحصارات و کارتل های قدرتمند حاکم بر بازار پول و سرمایه، شبکه توزیع، کالاهای استراتژیک و حتی مایحتاج عمومی). امروز نه تنها خواص بلکه مردم عادی از مافیای نفتی، مافیای قاچاق مواد سوختی، مافیای دارو، مافیای بنادر غیر قانونی، مافیای تولید غیر قانونی نفت و گاز، مافیای رباخواران، مافیای فعال در قوه قضائیه، مافیای منابع طبیعی صحبت می کنند و در هر شهر و روستا کسانی پیدا می شوند که با وابستگی به مراکز قدرت درصدد کار چاق کردن برای دیگران در مقابل گرفتن پول هستند و به این ترتیب کل روند زندگی عادی مردم مختل و به فساد آلوده شده است

از زمان روی کار آمدن دولت فعلی در سال ۱۳۸۴ کلیه متغیرهای سیاسی - اقتصادی و اجتماعی در ایران سیر منفی پیدا کرده است و با انقلاب پیداشده در امر ارتباطات سیر نزولی این متغیرهای مهم و حیاتی از نظر زندگی یک ملت، انعکاس جهانی یافته و حاصل آن تشدید فشار یا هم افزایی اثرات منفی بر سایر متغیرها بوده است. سقوط جامعه در مقیاس جهانی، سقوط اقتصاد در مقیاس جهانی به معنی سقوط امکانات دفاعی کشور هم در مقابل عوامل منفی داخلی و منطقه ای و هم در مقابل قدرت های استعمار گر خارجی است بدون ذکر جزئیات شواهد و اتفاقات روی داده در بعد از انتخابات اخیر که حداقل در ۱۵۰ کشور و در صد سازمان سیاسی اقتصادی، اجتماعی جهانی ثبت شده و حاصل آن صدور قطع نامه بعد از قطع نامه دایر بر محکومیت حکومت ایران بوده است فقط می توان نتیجه گیری کرد که دولت فعلی و دست هایی که آن را بر سر قدرت آورده و نگاه می دارند کوشیده اند با حربه اختناق و وحشت و اعمال زور و حتی ارتکاب قتل و تجاوز علیه افراد و گروههای زنده و فعال اجتماعی و سیاسی مانند کارگران، زنان، دانشجویان، افراد و احزاب ملی،

جبهه ملی نگهبان حقوق مردم و مدافع منافع ملی ایران است

خجالت ملت ایران و مایه تعجب فرهیختگان و آگاهان از پیشینه تاریخی و فرهنگی مردم ایران شده است.

۱- سقوط متوسط سالانه ۱۶ پله ای جامعه و حکومت از نظر فساد مالی در چهار سال گذشته در بین ۱۸۰ کشور جهان بطوریکه ایران از رتبه ۹۲ در سال ۲۰۰۵ به رتبه ۱۴۱ در سال ۲۰۰۸ سقوط کرده است.

(منبع: صندوق بین المللی پول)

با وجود اینکه رئیس دولت در روز معرفی کابینه خود به مجلس در سال ۱۳۸۴ از وجود لیست ۲۵۰ نفری فاسدین اقتصادی در جیب خود خبر داد و با وجود اینکه کمیسیون اصل نود در سال ۱۳۸۷ بیش از ۵۳ پرونده فساد اقتصادی که در دوره دولت فعلی روی داده است را برای سران سه قوه ارسال داشته است هیچ اقدامی اساسی علیه فاسدین اقتصادی که میلیاردها دلار ثروت های ملی را غارت کرده اند صورت نگرفته است. چهل میلیارد دلار اعتبارات اخذ شده از بانک ها که غالبا به دستور مقامات سیاسی و تباری مقامات بانکی واگذار شده و امروز نام مطالبات معوق گرفته و تلف شده تلقی می شود بخش دیگری از فساد مالی حاکم بر کل ساختار اقتصادی می باشد. خروج یک فقره ۲۰ میلیارد دلاری طلا و ارز از کشور و ورود پر سرو صدای تلویزیونی آن به ترکیه فقط یک نمونه کشف شده آن است.

۲- سقوط آزادی محیط کسب و کار: طبق گزارش موسسه تحقیقاتی کانادائی فرنییر برای سال ۲۰۰۹ درباره شاخص های آزادی اقتصادی در بین ۱۴۱ کشور بر اساس اطلاعات مربوط به سال ۲۰۰۷ ایران با ۱۱ پله سقوط از ردیف ۱۰۱ به ۱۱۲ تنزل یافته است. این شاخص بر مبنای وضعیت پنج متغیر کلیدی (۱) حجم و اندازه دولت (۲) ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت (۳) دسترسی به نقدینگی (۴) آزادی تجارت خارجی و قوانین مالی و (۵) بازار کار و تجارت محاسبه می شود. بعنوان مثال در ایران در حالیکه مردم عادی و واحدهای تولیدی به طوری آزاد و رقابتی به منابع مالی و نقدینگی دسترسی ندارند عده ای از خواص وابسته به مراکز قدرت بدهی چهل هزار میلیارد تومانی به بانک ها را به وجود آورده اند.

۳- سقوط رشد اقتصادی: طبق گزارش صندوق بین المللی پول و بانک مرکزی ایران از زمان روی کار آمدن دولت فعلی علیرغم داشتن ۳۳۵/۳ میلیارد دلار درآمدهای نفتی و ۱۳۵ میلیارد دلار درآمد اضافه بر بودجه و برنامه پنجساله درصد رشد اقتصادی مرتبا سیر نزولی داشته است. بطوریکه رشد اقتصادی ایران ۷/۸ درصد در سال ۲۰۰۷ و ۲/۵ درصد در سال ۲۰۰۸ و ۱/۹ درصد در سال ۲۰۰۹ بوده است.

خرج بی بند و بار درآمدهای نفتی برای بودجه جاری سه برابر شدن کسری بودجه و آزاد گذاری واردات عدم اقدام برای مقابله برای بحران مالی و اقتصادی جهانی عامل بی دفاعی اقتصاد ایران در مقابل تحولات اقتصادی جهانی شناخته شده است.

۴- سقوط ورود سرمایه های خارجی (واقعی بیرون از بخش نفت و گاز که حتی در صورت تحقق یک دهه وقت می خواهد) طبق گزارش انکتاد (کنفرانس سازمان ملل برای تجارت و توسعه) در سال ۲۰۰۸ در جهان ۳۱۶ میلیارد

دلار سرمایه گذاری خارجی انجام گرفته است که فقط ۱/۵۰ میلیارد دلار آن عاید ایران شده است. ترکیه ۱۲ برابر ایران، امارات ۹ برابر ایران، قطر ۴ برابر ایران و لبنان ۲/۴ برابر ایران سهم برده اند و عربستان با جذب ۳۸ میلیارد دلار ۲۴ برابر ایران خود را برای رقابت در سطح جهانی آماده میکند. فرانسه، چین و اسپانیا با جذب ۲۸۹ میلیارد دلار، بیشتر سرمایه های جهانی را جذب کرده اند و سرمایه گذاری خارجی ایالات متحده ۱۳ درصد رشد داشته است. این ناچیز بودن ورود سرمایه های خارجی که حاصل رفتارهای نادرست سیاسی - اقتصادی و نوع مدیریت اقتصادی در مقیاس جهانی دانسته شده، در حالی است که بنا به گفته وزیر جدید نفت، ایران تنها در بخش نفت و گاز به ۴۵ میلیارد دلار سرمایه خارجی نیاز دارد (قوانین شفاف، آسانی داد و ستد و آزادی فضای کسب و کار و عرضه رقابتی فرصت های سرمایه گذاری و نرخ تورم پایین از عوامل مساعد جذب سرمایه های خارجی شناخته شده است).

۵- تورم دائمی و فزاینده: یکی از عوامل مساعد جذب سرمایه های خارجی نرخ تورم پایین و کمتر از ۴-۳ درصد است و در ایران در سال ۱۳۸۷ نرخ تورم ۲۵/۴ درصد و در سال ۱۳۸۶ معادل ۱۸/۴ درصد و در سال ۱۳۸۵ به میزان ۱۱/۹ درصد از طرف بانک مرکزی گزارش شده است.

۶- بیکاری فزاینده مشوق رواج ناامنی، اعتیاد و پر شدن زندانها. ناتوانی دولت در ایجاد اشتغال کافی (بی فایده بودن همه برنامه های گول زننده و تبلیغاتی مثل وام های خود اشتغالی، تعاونی، زود بازده) ناشی از فرار سرمایه ها و استعدادهای و نیروی کار مولد و عدم ورود سرمایه های خارجی نرخ بیکاری را به طور دائم بالاتر از ۱۰ درصد نگاه داشته است که اگر نیروی کار واقعی را مانند سایر کشورها حدود ۵۰ درصد جمعیت در سن کار بدانیم حداقل بالای ۴ میلیون نفر در کل کشور بیکارند که خصیصه بارز بیکاران در ایران جوان بودن، زن بودن، تحصیل کرده بودن و متمرکز بودن در شهرها شناخته شده است

۷- سقوط شاخص رشد بهره وری کل عوامل تولید (کار، سرمایه و مدیریت) سقوط شاخص رشد بهره وری عوامل کار، سرمایه و مدیریت مهمترین معرف رواج بی انضباطی و بی بند و باری در کل اقتصاد می باشد و بهترین عامل سرمایه گذاری نکردن در ایران (فرار سرمایه) و در نتیجه عدم ایجاد اشتغال کافی در کشور است. بدون رشد بهره وری هرگونه افزایش هزینه تولید (افزایش دستمزدها ضروری از نظر فشارهای تورمی) به معنی کاهش سود دهی فعالیت اقتصادی است. بطوریکه بهره وری نیروی کار از سال ۱۳۸۵ که یک درصد بوده تا سال ۱۳۸۸ به ۰/۴ درصد نزول یافته و همچنین بهره وری سرمایه از ۱- در سال ۱۳۸۵ به ۱/۹ - در سال ۱۳۸۸ رسیده و بهره وری کل عوامل تولید از ۰/۱ + در سال ۱۳۸۵ به ۰/۷ - در سال ۱۳۸۸ سقوط کرده است.

از مرحوم مدرس نقل می کنند که گفته بود که سیاست ما عین دیانت ما است و امروز باید گفته شود که دیانت ما عین سیاست ما، سیاست ما عین حکومت ما و حکومت ما عین تراقیک ما است!

شانزده آذر ۱۳۳۲ و شانزده آذر ۱۳۸۸

در ۲۸ مرداد سی و دو حکومت ملی دکتر محمد مصدق با کودتای بیگانگان و عوامل داخلی شان سقوط کرد. دانشجویان ایران که در مبارزات نهضت ملی پیشتاز مبارزات ملت بودند در کنار اصناف، بازاریان و دیگر گروههای اجتماعی در نهضت مقاومت ملی برای مقابله با حکومت کودتا گرد آمدند. حکومت شاه برای خاموش کردن مردم محاکمه دکتر مصدق را آغاز کرد. با شروع محاکمه دانشجویان نخستین گروه بودند که بانگ اعتراض خویش را به گوش جهانیان رساندند. کودتای چپان خشمگین فرمان سرکوب بیرحمانه دادند و در روز شانزدهم آذر ۱۳۳۲ سه دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران قندچی، بزرگ نیا و شریعت رضوی در محوطه دانشکده بر اثر رگبار مسلسل ها به شهادت رسیدند و از آن روز شانزدهم آذر روز دانشجو نامیده شد. در دوره بیست و پنج ساله استبداد محمد رضا شاهی دانشجویان دانشگاه در ایران همه ساله یاد شهدای شانزده آذر را گرامی می داشتند و فریاد ضد دیکتاتوری سر می دادند. پس از انقلاب به کژراهه رفته ۲۲ بهمن ۵۷ و استقرار حکومت ایدئولوژیک در ایران آزادی ملت ایران تحقق نیافت و دانشجویان باز هم روز دانشجو را بهانه ای برای بیان نظریات و خواسته های آزادیخواهانه خود قرار دادند و در این سی سال دانشجویان پیوسته فعالان راه آزادی بوده اند. ولی امسال حاکمیت به سرکوب پیشگیرانه دانشجویان اقدام کرده است. از ۲۲ خرداد ۸۸ که روز انتخاب رئیس جمهور بود تا کنون صدها دانشجو بازداشت و مورد انواع شکنجه های جسمی و روانی قرار گرفته اند. تعداد زیادی به بهانه های مختلف از ادامه تحصیل محروم مانده اند و دههانفر در دادگاههای انقلاب به حبس های بلند مدت و کوتاه مدت محکوم شده اند که نمونه آنها پیمان عارف دانشجوی کارشناسی ارشد و سلمان سیما می باشند که در شرایط بسیار سختی در زندان انفرادی نگاهداشته می شوند دانشجویان بازداشت شده پس از انتخابات بسیارند و در روزهای اخیر که به شانزده آذر ۸۸ نزدیک می شویم موج دیگری از بازداشت دانشجویان سراسر کشور را در بر گرفته است، از اهواز تا تبریز و از مشهد تا زاهدان و کرمانشاه و تهران و سنجید همه جا با یورش به خانه دانشجویان آنان را برای کار نکرده که همان سرکوب پیشگیرانه است به بند می کشند. حاکمیت نگران است که در شانزده آذر ۱۳۸۸ اجتماعات وسیع دانشجویی تشکیل شود و از اینرو هر اجتماع چند نفره دانشجویان و یا دانشجویانی که چهره های شناخته شده ای در دانشگاه ها هستند بازداشت می شوند ۱۶ آذر ۳۲ و ۱۶ آذر ۸۸ وجوه اشتراک بسیار دارند در سال ۳۲ مبارزه با استبداد بر آمده از کودتای ننگین ۲۸ مرداد بود و در سال ۸۸ مبارزه با استبداد مذهب سالارانی که حکومتی پادگانی بپا داشته اند شانزده آذر حلقه پیوند همه دانشجویانیست که به آزادی می اندیشند. تجربه جنبش اخیر انتخاباتی که برای آزادی انتخابات بود نشان داد که اگر همه با هم باشند حرکت به سوی آزادی و دموکراسی امکانپذیر می شود آزادی خواسته ایست که همه دانشجویان آنرا طلب می کنند. امید است که ۱۶ آذر امسال پیوند دانشجویان را با هر اندیشه ای مستحکم تر سازد.

تهران - جبهه ملی ایران

۸۸/۹/۱۱

آسایش مردم قربانی اهداف امنیتی رژیم

حاکمیت جمهوری اسلامی نه تنها کلیه امکانات کلان اقتصادی و پشتوانه های فرهنگی و منافع ملی ایرانیان را به خاطر حفظ قدرت و تداوم سلطه خود قربانی می کند بلکه حتی کمترین امکانات رفاهی عادی و روزمره زندگی مردم را نیز در پای مقاصد امنیتی و اهداف سرکوبگرانه خود ذبح می نماید. تا آنجا که امروز مردم پایتخت از استفاده از سطح محدود خیابانها نیز برای تردد به دلیل نیات حفاظتی امنیتی رژیم مورد مزیقه و محدودیت قرار گرفته اند. در اعتراضات گسترده مردمی که پس از انتخابات ریاست جمهوری بیست و دوم خرداد به وقوع پیوست خیابان ولیعصر بعنوان مرکزی ترین و اصلی ترین خیابان تهران به مرکز تظاهرات آرام مردم تبدیل شد و اعتراضات و راه پیمائی ها غالبا از سمت جنوب به شمال این خیابان و یا برعکس به ویژه در حد فاصل میدان ونک تا چهار راه پارک وی صورت می گرفت و در این محدوده به علت متوقف شدن اتومبیل ها و ایجاد ترافیک و راه بندان های سنگین نیروهای سرکوبگر رژیم نمی توانستند به موقع خود را به کانون های تظاهرات مردمی برسانند و به ضرب و شتم و دستگیری مردم بپردازند و این عملیات آنها با اندکی تاخیر صورت می پذیرفت. لذا ناگهان مغزهای متفکر و ابداع گر رژیم تصمیم گرفتند عرض خیابان ولیعصر را از اول خیابان عباس آباد تا چهار راه پارک وی که مسافتی بالغ بر چندین کیلومتر است به دو نیمه تقسیم کنند که فقط در نصف عرض این خیابان شهروندان مجاز به تردد یک طرفه از جنوب به شمال باشند و نصف دیگر در ظاهر به بهانه رفت و آمد اتوبوس ها و در اصل برای موتورسیکلت ها و اتومبیل های نیروهای سرکوب کننده خالی و رزرو نگاهداشته شود تا در مواقع لازم این نیروها بتوانند به سرعت به کانون های اعتراضات مردمی دسترسی پیدا کرده و وظایف مشعشع در هم کوبیدن مردم را به انجام برسانند. در نتیجه این تدبیر خیرخواهانه!! ترافیک سنگین نیمه شمالی شهر ده چندان گردیده و شهروندان ناگزیرند هر روز ساعت ها در راه بندان ها معطل و منتظر بمانند و از داخل اتومبیل های متوقف شده خود با حسرت نیمه خالی خیابان را تماشا کنند.

قتل فروهرها، بیدادی فراموش نشدنی

بر ملت ما بیدادها رفته است، و دشمنان آزادی از هر جنایتی فروگذار نکرده اند که دشمنه آجین کردن پروانه و داریوش فروهر رهبران حزب ملت ایران یکی از وحشیانه ترین آن جنایات است. در شرایطی که جامعه نیازمند حضور آنان بود با توطئه ای غیر انسانی و ضد بشری به شهادت رسیدند. عمق فاجعه آنچنان تنفر همگانی را برانگیخت که دستگاه اطلاعاتی حاکمیت به لرزه درآمد و تنی چند از مسئولین بلند مرتبه آن ناگزیر به اعتراف بخشی از کرده های خویش در حذف فیزیکی دگراندیشان شدند و دولت وقت تغییرات زیادی در وزارت اطلاعات خود داد و در برابر موج عظیم نفرت و انزجار مردم که از این جنایات رفته بر دگراندیشان و به ویژه پروانه و داریوش فروهر دو چهره درخشان پوینده راه مصدق و یار نهضت ملی ایران برخاسته بود برخی را به دادگاه فرستاد و از تلاش گروهی از حاکمیت که برای حذف فیزیکی غیر خودیها در داخل و خارج کشور شده بود پرده بر گرفته شد. همزمان با انتشار خبر اندوهبار شهادت این دو چهره تابناک نهضت ملی ایران، دو نویسنده دگراندیش مبارز دیگر پوینده و مختاری نیز به دست عوامل امنیتی کشته شدند. پرونده این کشتارها به دادگاه فرستاده شد دستگیرشدگان که مسئولین امنیتی و اطلاعاتی بودند در بازجوییها و بازپرسیها به دستور مقامات بالاتر از خود اعتراف کردند

اما کسی ندانست که در پشت پرده چه می گذرد که ناگاه خبر خودکشی متهم ردیف یک پرونده که از عالی رتبه ترین مقامات وزارت اطلاعات بود انتشار یافت و پرونده در مسیر دیگری قرار گرفت. حکم دادگاه سرانجام به محکومیت عوامل اطلاعاتی و امنیتی منتهی شد اما هیچگاه اسرار نهفته این جنایات فاش نشد. فرزندان زنده یاران فروهرها دادرسی را کامل ندانستند و به همراه صدها نفر از اندیشمندان سیاسی و اجتماعی از مراجع جهانی درخواست رسیدگی کردند و دادخواستند این بیداد را. دادگاه در ایران برای بعضی از متهمان حکم اعدام نیز صادر کرد ولی پرستو و آرش فروهر فرزندان زنده یاران فروهرها آنرا نپذیرفتند و به جهان اعلام نمودند که چون پدر و مادرشان، حکم اعدام را اصولاً خلاف باورهای خویش می دانستند آنرا نمی پذیرند. مضافاً این که این محکوم شدگان تنها عوامل مزدور اجرای آن جنایات بودند و آمران اصلی آن فجایع هرگز مشخص نشدند. صاحبان قدرت در حکومت ایران ساهاست، از برگزاری مراسم یاد بود پروانه و داریوش به شدت جلوگیری می کنند و امسال نیز چنین کردند و این در حالیست که مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران هر روز هماهنگ تر و استوارتر ادامه دارد ما خاطره مبارزات ملی و آزادیخواهانه پروانه و داریوش فروهر را، گرمی می داریم باشد که نامشان در نهضت آزادیخواهانه ملت ایران جاودانه شود.

نام و یاد شادروان غلامرضا رحیم گرمی باد

آقای غلامرضا رحیم عضو شورای مرکزی و هیئت اجرائیه جبهه ملی ایران در سال ۱۳۰۹ چشم به جهان گشود و در آبانماه ۱۳۸۸ دیده از دنیا فروبست او تحصیلات خود را در رشته حقوق قضائی به پایان رسانیده و مدت ۳۵ سال در مناصب مختلف قضائی با صداقت و پاکدامنی کم نظیر خدمت کرد. شادروان غلامرضا رحیم از سالهای نوجوانی به حزب ایران و جبهه ملی ایران پیوست و به مدت ۶۰ سال در راه آزادی و استقلال این مرز و بوم و تحقق حاکمیت ملی و عدالت اجتماعی تلاش نمود. او از پیروان صدیق و راستین رهبر جبهه ملی ایران دکتر محمد مصدق بود. او در دوران اوج نهضت ملی مقالات بیشماری در حمایت و تبیین

استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و در مبارزه با استبداد و استعمار در روزنامه های گیلان ما و جبهه آزادی نوشت و در ابتدای انقلاب نظر تحلیلی و انتقادی پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی را در صد صفحه نوشت که متأسفانه مانند سایر نظریات خیرخواهانه میهن دوستان و آزادیخواهان مورد توجه اقتدارگرایان تشنه قدرت قرار نگرفت در این روزهایی که ملت غیور ایران برای به دست آوردن آزادی مردانه به پا خاسته است از دست دادن ایران دوستی فرهیخته و آزادیخواهی اصیل چون غلامرضا رحیم برای پیروان مصدق اندوهی مضاعف دارد. نام و یادش گرمی باد.

اصول عقاید و هدف های جبهه ملی ایران

برگرفته از اساسنامه جبهه ملی ایران

اصل اول - حفظ تمامیت ارضی، استقرار حاکمیت ملی و استقلال سیاسی برخاسته از اراده عمومی ملت ایران در نظام جمهوری مبتنی بر اصول دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون. اصل دوم - تاکید بر تامین و حفظ حقوق و آزادی های اساسی مردم ایران به ویژه آزادی احزاب، انتخابات و مطبوعات و تساوی حقوق زن و مرد و مبارزه با هرگونه تجاوز به حقوق بشر. اصل سوم - جبهه ملی ایران برای حفظ احترام دین مبین اسلام و همچنین فراهم شدن امکان بهره گیری از تمامی توان ملی و مردمی جامعه ایران بر اصل جدایی دین از حکومت تاکید می کند.

اصل چهارم - استقرار عدالت اجتماعی و بالا بردن سطح رفاه عمومی بر اساس جهان بینی علمی، رشد تولید و افزایش اشتغال و توزیع عادلانه درآمد ملی.

اصل پنجم - احترام به حقوق شهروندی برابر و اعتقادات دینی و آداب و رسوم و زبانها و گویش های تمامی تیره ها و مردم سرزمین ایران.

اصل ششم - تقویت و پاسداری و گسترش زبان ملی و مشترک فارسی و فرهنگ و هنرهای ملی ایران.

اصل هفتم - اتخاذ سیاست خارجی مستقل ایرانی بر اساس حفظ مصالح و منافع ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور و پشتیبانی از اصول و هدف های منشور ملل متحد و دوستی و احترام متقابل با همه ملت ها و کشورها به ویژه کشورهای منطقه و مبارزه با هرگونه تروریسم فردی، گروهی و دولتی.

سپهر
تجهه ملی ایران

نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا
www.jebhemelliiran.org

E-mail: hejmi85@yahoo.com